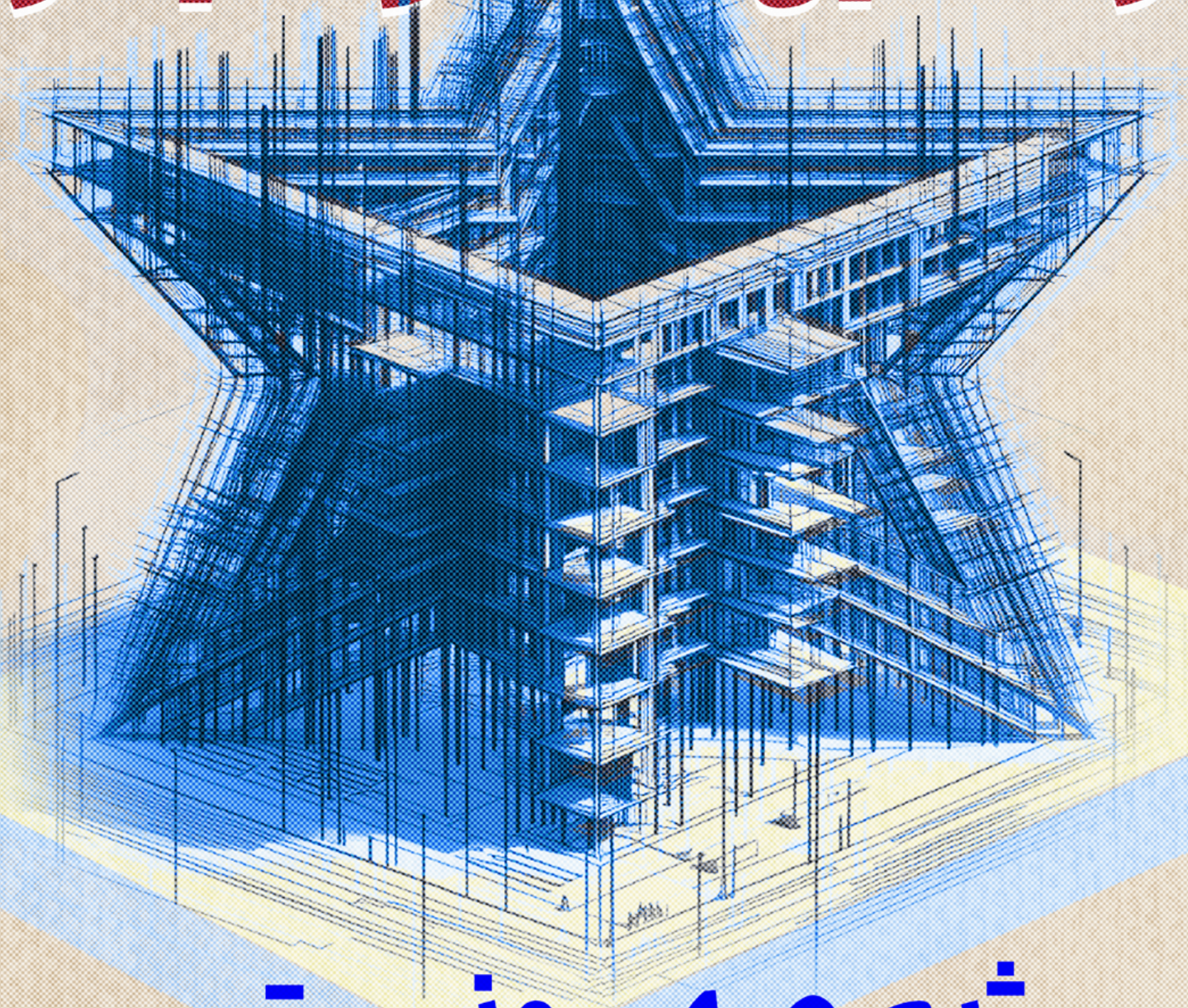


تشریح راهب — اردغرب، از تشکیل و حمایت از



رژیم صهیونیستی
وراهکار مقابله با آن

نویسنده: محمد خانزاده



**تشریح راهبرد غرب از تشکیل
و حمایت از رژیم صهیونیستی
و راهکار مقابله با آن
جنگ با رژیم صهیونیستی
تمام نشده است**

اسفندماه ۱۴۰۳

نویسنده: محمد خانزاده،
پژوهشگر مسائل بین‌الملل

**تهیه شده در واحد تولید محتوای معاونت
سیاست‌ورزی سازمان بسیج دانشجویی**



سازمان
بسیج
دانشجویی



@geraa_ir

مقدمه ۴

تشکیل رژیم صهیونیستی، پروژه غرب برای کنترل منطقه ۵

لزوم مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی ۷

استفاده از فشار سیاسی-نظامی برای اجبار کشورها به عادی سازی با
رژیم صهیونیستی ۷

تغییر ره کنش آمریکا در پیشبرد پروژه تطبیع ۹

پیمان ابراهیم، راه تحکیم روابط کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی .. ۱۲

پیگیری پروژه تطبیع، طرحی فرا حزبی در آمریکا ۱۳

برهم زدن راهبرد غرب، راه نجات منطقه ۱۶

لزوم قطع شریان حیاتی رژیم صهیونیستی ۱۷

اتحاد امت اسلامی لازمه ی پیروزی ۱۷

مقدمه

منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا، به دلیل موقعیت جغرافیایی راهبردی خود که نقطه‌ی اتصال سه قاره‌ی آسیا، آفریقا و اروپا به یکدیگر است و آبراه‌های مهم جهان (مانند تنگه‌ی هرمز، تنگه‌ی باب‌المندب و کانال سوئز) نیز در آن قرار دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است. دوازده دریا/خلیج این منطقه را احاطه کرده‌اند^۱ لذا نقش ویژه‌ای نیز در تجارت دریامحور جهان دارد.

همچنین طبق داده‌های اوپک، این منطقه بیش از نیمی از ذخایر نفت جهان و دو پنجم ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد^۲ و منبع مهمی از منابع اقتصادی و انرژی جهانی است. لذا این منطقه از دیرباز تاکنون مورد توجه ویژه‌ی قدرت‌های استعماری بوده است.

۱ دریای اژه، دریای مرمره، دریای سیاه، دریای خزر، خلیج فارس، دریای عمان، دریای عرب، خلیج عدن، دریای سرخ، خلیج عقبه، خلیج سوئز و دریای مدیترانه.

۲ تارنمای اوپک، منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در عرصه بین‌المللی
https://:opec.org/opec_web/en/press_room.۲۲۱۱/htm

تشکیل رژیم صهیونیستی، پروژه غرب برای کنترل منطقه

یکی از قدرت‌های استعماری که سابقه‌ی طولانی استعمار در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا دارد، کشور انگلیس است. یکی از اقدامات انگلستان برای تداوم استعمار خود در این منطقه، فراهم آوردن مقدمات اشغال اراضی فلسطین توسط یهودیان غیروبومی با بیانیه بالفور است. ایالات متحده آمریکا نیز در ادامه به این کشور پیوست و روند ایجاد رژیم صهیونیستی را تسریع و تسهیل کردند یا به عبارت دقیق‌تر، این رژیم را ایجاد کردند. در واقع علیرغم ادعای مقامات صهیونیست مبنی بر پیشینه تاریخی و آرمانی برای تشکیل رژیم صهیونیستی، طراحی غرب (ابتدا انگلیس و سپس آمریکا) دلیل اصلی به وجود آمدن رژیم صهیونیستی بوده است. دلیل اصلی این اقدام نیز، کنترل منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا در تمام ابعاد سیاسی، امنیتی و اقتصادی است.

«برژینسکی»، مشاور امنیت ملی آمریکا در زمان ریاست جمهوری «کارتر»، در کتاب خود درباره

اهمیت منطقه بیان می‌کند که اگر کشورهای اسلامی در این منطقه با یکدیگر متحد شوند، یک حوزه ژئوپولیتیک جدید شکل می‌گیرد که از سایر حوزه‌های ژئوپولیتیک قوی‌تر خواهد بود. لذا غرب برای جلوگیری از این موضوع که در صورت تحقق توان به چالش کشیدن هژمونی غرب (به ویژه آمریکا) را خواهد داشت و همچنین جلوگیری از ایجاد حکومتی مانند امپراطوری عثمانی، به این نتیجه رسید که باید یک کشور نامتجانس با منطقه (غیر عرب و غیر مسلمان) ایجاد و از آن حمایت کند تا مانند شمشیری بر سر سایر کشورهای منطقه باشد و بتواند آن‌ها را با غرب هم‌گرا کند. در صورت وجود کشوری نامتجانس با منطقه، این کشور نقاط اشتراکی برای همراه و همسو شدن با سایر کشورهای منطقه در طول زمان نخواهد داشت. لذا می‌تواند هدف غرب که ایجاد کشورهای خرد و ناتوان وابسته به غرب و متفرق است را محقق کند. در نتیجه تحقق این امر، غرب می‌توانست بر این منطقه کنترل داشته باشد. سابقاً نیز در زمان جنگ‌های صلیبی

غربی‌ها با همین آسیب‌شناسی درصدد ایجاد یک کشور مسیحی در این منطقه برآمده بودند؛ اما به دلیل کاهش اقبال به دین مسیحیت در منطقه، موفق نشدند.

لزوم مشروعیت بخشی به رژیم صهیونیستی

پس از تشکیل رژیم صهیونیستی، غرب برای تحقق اهداف خود باید میان کشورهای منطقه و این رژیم روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برقرار می‌کرد. باتوجه به اشغال‌گری رژیم صهیونیستی و وجهه بد این رژیم نزد جوامع منطقه، ایجاد روابط در سطح ملت‌ها ممکن نبود. لذا سعی در ایجاد روابط میان دولت‌ها داشتند تا به مرور بتوانند موضوع را در سطح ملت‌ها نیز حل کنند.

استفاده از فشار سیاسی-نظامی برای اجبار کشورهای به عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی

در ابتدا آمریکا برای عادی‌سازی روابط میان کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی، از ابزار سیاسی-نظامی خود استفاده می‌کرد.

سرچام «انورسادات»، رئیس جمهور مصر اولین

رئیس وقت یک کشور مسلمان و عربی بود که به صلح با رژیم صهیونیستی و به رسمیت شناختن آن اقدام کرد. انور سادات پس از سرخوردگی از شکست در برابر رژیم صهیونیستی که با کمک آمریکا و انگلیس محقق شد، در ژوئیه ۱۹۷۷ میلادی اعلام کرد در ازای خروج نیروهای رژیم صهیونیستی از سرزمین‌های اشغالیِ صحرای سینا، حاضر به امضای قرارداد صلح با رژیم اشغال‌گر قدس خواهد بود.

سرانجام، در هفدهم سپتامبر ۱۹۷۸ ضمن ملاقات روسای جمهوری آمریکا و مصر و نخست وزیر رژیم صهیونیستی در کمپ دیویدِ آمریکا، انور سادات با امضای موافقت نامه‌ای، زمینه انعقاد پیمان کمپ دیوید در ۲۶ مارس سال ۱۹۷۹ را فراهم آورد. به موجب این قرارداد، پس از تخلیه صحرای سینا از نیروهای صهیونیستی، صلح نهایی میان دو رژیم منعقد شد.

تاریخ روابط اردن و رژیم صهیونیستی نیز تقریباً مشابه مصر است. در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ میلادی، اردن به همراه سوریه، مصر و عراق ۱۹۶۷ علیه رژیم

صهیونیستی شرکت کرد. در طی این جنگ، کرانه باختری و شرق بیت المقدس به اشغال این رژیم درآمد و بخش غربی آن از قبل تحت تصرف رژیم صهیونیستی بود. در سال ۱۹۸۸ میلادی، اردن از کلیه ادعاهای خود نسبت به کرانه باختری صرف نظر کرد. در سال ۱۹۹۴ میلادی، «بیل کلینتون»، رئیس جمهور وقت آمریکا، بین «ملک حسین»، شاه اردن و «اسحاق رابین» نخست وزیر رژیم صهیونیستی را تشویق کرد تا پیمان صلحی را امضا کنند که بعدها، پیمان وادی عربیه خوانده شد. بدین ترتیب، اردن پس از مصر، دومین کشور عربی و اسلامی است که روابط عادی با رژیم صهیونیستی را رقم زده است.

تغییر ره کنش آمریکا در پیشبرد پروژه تطبیع

پس از پیمان کمپ دیوید و پیمان وادی عقبه، آمریکا مجدداً سعی در وارد آوردن فشار به کشورها برای عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی داشت. باتوجه به این که استمرار فشار سیاسی و نظامی برای وادار کردن کشورها به عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی در طولانی مدت ممکن

این موضوع اشاره کردند و فرمودند:

«سیاست آنان، تبدیل رژیم به دروازه‌ی صادرات انرژی از منطقه به جهان غرب و واردات کالا و فناوری از غرب به منطقه است و این یعنی تضمین موجودیت رژیم غاصب و وابستگی کلّ منطقه به آن.»^۱

برای این کار لازم بود رژیم صهیونیستی تبدیل به قطب فناوری منطقه شود تا کشورهای منطقه برای دسترسی به فناوری، مجبور به همکاری با رژیم صهیونیستی باشند. در نتیجه سایر کشورها مواد خام و سرمایه مورد نیاز رژیم را تامین و کالاهای فناورانه (مانند ریزتراشه‌ها، دارو و...) را دریافت می‌کردند. این مورد با کمک ایالات متحده در گسترش تولید کالاهای با فناوری پیشرفته در سرزمین‌های اشغالی و همچنین هدایت سایر کشورها به سمت رژیم صهیونیستی برای دسترسی به این کالاها محقق شد.

۱ تارنمای دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳ مهرماه ۱۴۰۳

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۵۷۸۱۱>

پیمان ابراهیم، راه تحکیم روابط کشورهای منطقه و رژیم صهیونیستی

پروژه عادی‌سازی پیش از توافق ابراهیم، در لایه‌های پنهان آغاز شد اما برای تحقق اهداف آمریکا و همچنین تامین امنیت رژیم صهیونیستی، باید این عادی‌سازی‌ها به صورت علنی انجام می‌شد. در نتیجه در زمان ریاست جمهوری «ترامپ» در آمریکا، موضوع عادی‌سازی با رژیم صهیونیستی تحت عنوان «پیمان ابراهیم» در دستور کار قرار گرفت و در نهایت، هیات‌های عالی‌رتبه رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی و بحرین روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ توافقنامه صلح را که با میانجیگری آمریکا به دست آمد در کاخ سفید امضا کردند. سپس سودان، مراکش و اردن نیز به این پیمان پیوستند. البته همانطور که بیان شد، اردن در سال ۱۹۹۴ روابط سیاسی خود با رژیم صهیونیستی را عادی‌سازی کرده بود اما به توافق ابراهیم نیز پیوست.

گره‌خوردن موضوعات اقتصادی و سیاسی در این توافق‌ها کاملاً مشهود بود. برای مثال در متن

توافق میان امارات و رژیم صهیونیستی، افزایش همکاری‌های اقتصادی به عنوان یکی از راه‌های اصلی تثبیت روابط سیاسی بیان شده است. همچنین در پیوست این توافق آمده است:

«بر اساس پروتکل توافق شده بین طرفین در تاریخ ۱ سپتامبر ۲۰۲۰ در ابوظبی، طرفین برای تعمیق و گسترش سریع روابط سرمایه‌گذاری دوجانبه، همکاری خواهند کرد و اولویت بالایی برای انعقاد توافق‌نامه‌ها در حوزه مالی و سرمایه‌گذاری قائل می‌شوند.»^۱

در نتیجه توسعه روابط اقتصادی، تبدیل به کاتالیزور و بستر عادی‌سازی کشورها با رژیم صهیونیستی شده است.

پیگیری پروژه تطبیع، طرحی فراحزبی در آمریکا
موضوع پیگیری توافقات‌های ابراهیم صرفاً مربوط به دولت جمهوری خواه «ترامپ» نیست و «بایدن» نیز به عنوان یک دموکرات، این راهبرد را در دستور کار خود قرار داده است.

۱ تارنمای وزارت خارجه آمریکا، پیوست توافق عادی‌سازی میان رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی

در پیوست توافق عادی‌سازی میان رژیم صهیونیستی و امارات که در زمان ریاست جمهوری «ترامپ» امضا شد، از همکاری مشترک ذیل پروژه‌ای تحت عنوان ابتکار «مسیر صلح منطقه‌ای»^۱ نام برده شده است. هدف از این ابتکار قرار دادن رژیم صهیونیستی به عنوان پل زمینی اقتصادی بین غرب و کشورهای عربی خلیج فارس از طریق استفاده از راه آهن جدید است.^۲ این طرح شبه جزیره عربستان را به بندر حیفّا با خط آهنی که از اردن می‌گذرد وصل می‌کند. بر اساس این پیشنهاد، کالاها می‌توانند از طریق ریلی از حیفّا به بندر دمام عربستان سعودی و سپس به امارات متحده عربی و بحرین حمل شوند (وبالعکس) و دریای مدیترانه را به خلیج فارس متصل کنند. وزارت حمل و نقل رژیم صهیونیستی درباره این طرح بیان کرده است: «این پروژه که در پی توافق ابراهیم آغاز شد، برای حمل بار و ایجاد گزینه‌ای جایگزین برای

۱ Tracks for Regional Peace

۲ ویدیو تولیدشده توسط وزارت خارجه آمریکا پیرامون این ابتکار
<https://www.biedsociety.com/single-post/tracks-for-regional-peace>

حمل و نقل از طریق دریا در نظر گرفته شده است. علاوه بر مزایای اقتصادی و حمل و نقل، این پروژه پتانسیل ایجاد عادی سازی منطقه ای و ایجاد توافقاتی صلح بیشتر را دارد.^۱

این طرح در دولت «بایدن» پیگیری شد و تلاش هایی برای تحقق آن صورت گرفت که اکنون تحت عنوان IMEC^۲ شناخته شده است. این کریدور پس از اقدام یمن در هدف قرارداد کشتی هایی که از/به سرزمین های اشغالی سفر می کردند، رونمایی شد؛ این رونمایی باتوجه به آماده نبودن زیرساخت ریلی مورد نیاز و لزوم استفاده از ظرفیت جاده ای، صرفاً جنبه تبلیغاتی داشته و تا حدی نیز توانستند برخی کالاها را از طریق آن عبور دهند. اما این به معنای کنار گذاشتن این طرح توسط آمریکا نیست.

همچنین دولت «بایدن» تلاش کرد این ابتکار را توسعه دهد و طرحی تحت عنوان I2U2^۳ را

۱ تارنمای خبرگزاری سندیکای خبری یهود، قطر اسرائیل - خلیج فارس در انتظار عادی سازی عربستان است، ۳۱ جولای ۲۰۲۲

<https://www.jns.org/jns/uae-israel-relations/۲۹۱۰۹۴/۲۹/۵/۲۳/>

۲ India-Middle East-Europe Economic Corridor

۳ I2 آن مربوط به حرف اول کشور امارات و رژیم صهیونیستی و U2 آن ابتدای نام کشورهای هند و آمریکا است.

مطرح کرد. این ابتکار صرفاً بعد ترانزیتی ندارد و به دنبال توسعه همکاری و هم‌گرایی به سایر بخش‌ها از جمله حوزه آب، انرژی، حمل‌ونقل، فضا، سلامت و امنیت غذایی است. محور اصلی نیز جذب سرمایه و تعریف پروژه‌های مشترک در این شش حوزه است.

همچنین وزارت امور خارجه آمریکا این ابتکار را در راستای حمایت از توافق ابراهیم و پروژه عادی‌سازی می‌داند^۱ و برنامه توسعه‌ی همکاری ذیل این طرح با سایر کشورهای منطقه را دارد.

برهم‌زدن راهبرد غرب، راه نجات منطقه

برای رهایی از استعمار منطقه توسط غرب، به ویژه آمریکا، باید رژیم صهیونیستی را مورد هدف قرار داد. این به معنای اقدام نظامی و امنیتی صرف علیه رژیم صهیونیستی نیست بلکه باید گام‌هایی فراتر از آن برداشت و به سمت انزوای رژیم صهیونیستی در تمام شئون (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و...) حرکت کرد.

۱ تارنمای وزارت خارجه آمریکا، صفحه پرسش‌وپاسخ مربوط به پروژه I2U2

<https://www.state.gov/i2u2/faqs#/>

لزوم قطع شریان حیاتی رژیم صهیونیستی

برای برهم زدن راهبرد کلان آمریکا، باید تمام روابط منطقه‌ای رژیم صهیونیستی را که به منزله‌ی شریان حیاتی آن است (زیرا در صورت قطع آن، دیگر امنیت نخواهد داشت) هدف قرار داد. در نتیجه قطع روابط اقتصادی میان رژیم صهیونیستی و کشورهای منطقه، اولین قدم برای نیل به این هدف خواهد بود.

اتحاد امت اسلامی لازمه‌ی پیروزی

نقش مردم در تحقق این راهبرد مهم است و به ثمر رساندن آن، از طریق کنش مردم انجام خواهد گرفت؛ زیرا غالب دولت‌های حاکم بر کشورهای منطقه تمایلی به این اقدام ندارند. رهبر معظم انقلاب نیز اقدام دولت‌ها را در گرو خواست ملت‌ها می‌داند. ایشان در بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در بهمن ۱۴۰۲ فرمودند:

«آنچه دولت‌ها وظیفه دارند، قطع کمک سیاسی و تبلیغاتی و تسلیحاتی و کالاهای مصرفی به

رژیم صهیونیستی است؛ این وظیفه‌ی دولتها است. آنچه ملّتها وظیفه دارند، فشار به دولتها است که این وظیفه‌ی بزرگ را انجام بدهند.^۱

لذا باید خواست ملتها پشت این موضوع قرار گیرد و ملتها با یکدیگر متحد شوند. لزوم اتحاد امت اسلامی مبنای تاریخی و دینی نیز دارد. امیرالمومنین علی (علیه السلام) در خطبه‌ی ۱۸۷ نهج‌البلاغه که به خطبه‌ی قاصعه معروف است، می‌فرمایند سنت‌ها و قوانین عالم یکسان است لذا باید از تجربه‌ی پیشینیان در خیر و شر عبرت گرفت. سپس علل نیکبختی و سربلندی ملتها را بیان می‌کنند که مورد اول آن جلوگیری از تفرق و تشتت است.^۲ یعنی اگر امت اسلامی بخواهد به پیروزی برسد، باید وحدت داشته باشد.

درنتیجه لزوم اتحاد میان ملتهای مسلمان در مبارزه علیه رژیم صهیونیستی باید تبدیل به گفتمان غالب در ملتهای منطقه شود و ترجمان آن در تمامی بخش‌ها خود را نشان دهد. البته

۱ تارنمای دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۹ بهمن ۱۴۰۲

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۵۵۲۰۱>

۲ مِنَ الْاجْتِنَابِ لِلْفُرْقَةِ

این امر قطعاً زمان‌بر اما پایدار خواهد بود.
لذا اکنون وظیفه ما در این نبرد، گفتگو با
نخبگان کشورهای اسلامی و ایجاد اتحاد نخبگانی
برای مبارزه با رژیم صهیونیستی در حوزه‌های
غیرنظامی و امنیتی است که قدم اول برای ایجاد
اتحاد در امت اسلامی است. اکنون که آتش‌بس
در غزه حاصل شده، باید با تمرکز بیشتر این
مهم را پیگیری کرد.

منطقه‌ی غرب آسیا و شمال آفریقا، به دلیل موقعیت جغرافیایی راهبردی خود که نقطه‌ی اتصال سه قاره ی آسیا، آفریقا و اروپا به یکدیگر است و آبراه‌های مهم جهان (مانند تنگه‌ی هرمز، تنگه‌ی باب‌المندب و کانال سوئز) نیز در آن قرار دارد، از اهمیت بالایی برخوردار است.

دوازده دریا/خلیج این منطقه را احاطه کرده‌اند لذا نقش ویژه‌ای نیز در تجارت دریامحور جهان دارد. همچنین طبق داده‌های اوپک، این منطقه بیش از نیمی از ذخایر نفت جهان و دو پنجم ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد و منبع مهمی از منابع اقتصادی و انرژی جهانی است. لذا این منطقه از دیرباز تاکنون مورد توجه ویژه‌ی قدرت‌های استعماری بوده است.

